

رهیافتهای قرآنی درباره مهارتهای زندگی در حوزه فردی

عاطفه سادات فاضلی

چکیده:

در کتاب آسمانی قرآن، بهترین و کامل ترین مهارتهای زندگی به مخاطبان، آموزش داده شده است. در روایات و سخنان گهربار امامان معصوم(ع)، مکرراً نسبت به فراگیری و ارزشهای والای مهارتهای زندگی اشاره شده است. در نظر قرآن و اهل بیت(ع) نداشتن مهارتهای زندگی با نابودی و جهالت ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین کسب این مهارت در زندگی از دیدگاه قرآن ضرورتی اجتناب ناپذیر است. هدف از مقاله حاضر بررسی و استخراج مهارتهای فردی از کتاب آسمانی قرآن می باشد. جهت دستیابی به هدف تحقیق از روش تحلیلی-استنباطی استفاده شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که در قرآن و روایات، مهارتهای زندگی در حوزه فردی و اجتماعی شامل مؤلفه های فراوانی می باشد که رعایت آنها منجر به ورود به حیات طیبه می گردد. براساس دیدگاه قرآن و روایات، خودآگاهی، تصمیم گیری و تفکر از مؤلفه های بعد فردی مهارتهای زندگی میباشند.

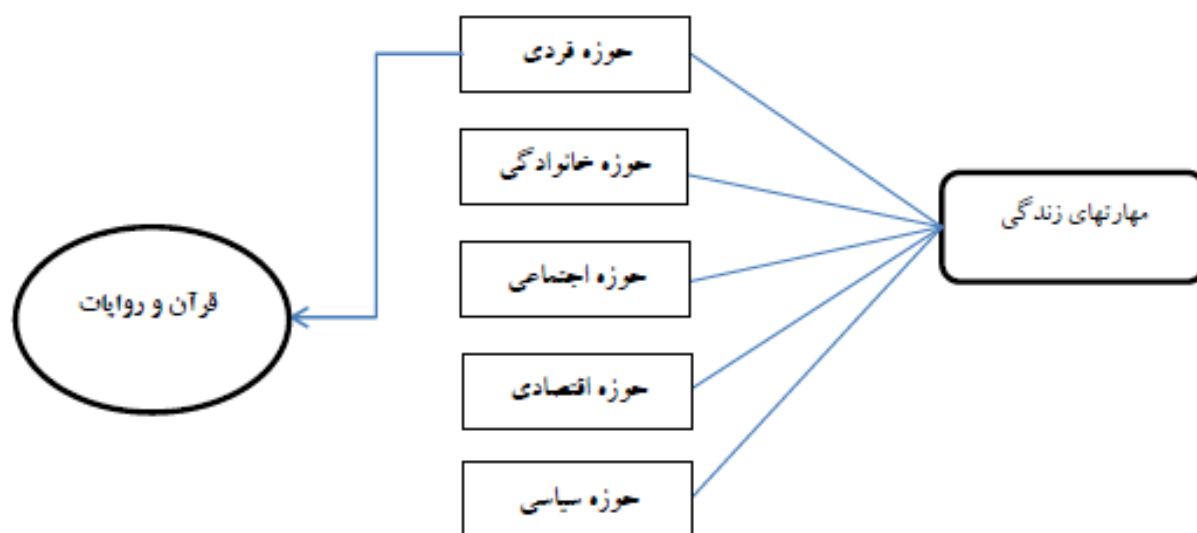
کلید واژه ها: مهارت، مهارتهای زندگی، حوزه فردی، قرآن و روایات

مقدمه:

همه انسانها دوست دارند زندگی خوبی داشته باشند. یک زندگی خوب و با آرامش منوط به برنامه‌ریزی دقیق و مناسب است. لذا منبع و الگوی این برنامه‌ها باید خوب باشند و از عالیترین انسانها تشکیل شوند. این برنامه‌های اصولی از اندیشمندان، علما و بزرگان سرچشمه میگیرند. در رأس این امور شخصیت‌های الهی و آسمانی قرار دارند چراکه علم آنها متصل به علم نبوی و علم الهی است. یعنی آخرین، دقیقترین و صحیحترین علم زندگی را این بزرگواران مشخص کرده‌اند. اگر به آنها توجه کنیم و آنها را در زندگی به کار بگیریم، آن وقت زندگی خوبی خواهیم داشت.

کسب مهارت‌های زندگی در ابعاد فردی به فرد کمک میکند تا به نحو موثرتری در مورد مسائل زندگی تصمیم‌گیری کند. اگر اشخاص بتوانند در مورد اعمال خود و زندگی، فعالانه تصمیم بگیرند، و جوانب متفاوت انتخاب‌ها را بررسی، و پیامد هر انتخاب را ارزیابی کنند، مسلماً در سطوح بالاتر سلامت روانی قرار خواهند گرفت. «تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی و نادرست باعث اضطراب و افسردگی می‌شود و تصمیم‌گیری عاقلانه آینده‌ای روشن را پیش روی فرد می‌گذارد و اطمینان و آرامش ویژه‌ای را به زندگی فرد می‌بخشد.» رعایت این مهم از دیدگاه قرآن زمینه ایجاد حیات طیبه برای فرد و جامعه را فراهم می‌کند و انسان را به کمال مطلوب خویش در زندگی می‌رساند و او را در مقابل هر مشکل و تنش و ناملازمات زندگی مقاوم می‌سازد. از دیدگاه قرآن دستیابی به مهارت‌های زندگی و ورود به حیات طیبه در حوزه فردی رخ می‌دهد، که در حوزه فردی رسیدن به حیات طیبه فردی است که سرشار از رضایت، آرامش، عقلانیت، طهارت و تلاش و مسئولیت است. تمام تلاش‌های انسان برای ایجاد یک بهشت درونی است.

خوشبختانه در قرآن درباره امور عرفانی، اعتقادی و مسائل زندگی انسان نکات مهمی بیان شده که هر یک از آنها میتوانند محتوای کتاب بزرگ و کلید عالی زندگی ما آدمها باشند. در مقاله حاضر سعی بر آن است که مهارت‌های مختلف زندگی را از منظر قرآن و امامان(ع) و از درون این کتاب آسمانی استخراج کرده و در اختیار جوامع اسلامی عموماً و خصوصاً مردم کشورمان قرار دهیم تا در کشور اسلامی‌مان ایران، مردم با سبکی دینی و علوی زندگی کنند. مقاله حاضر سعی بر آن دارد که به بررسی مهارت‌های زندگی در حوزه فردی از منظر قرآن بپردازد.



بخش اول: مهارتها و سبک زندگی

گفتار اول: ماهیت سبک زندگی

مقسمی است برای اقسام و انواع سبکهای مختلفی از زندگی با رویکردهای متفاوت، مانند « سبک زندگی » واژه سبک زندگی اسلامی، غربی، شرقی و یا سبک زندگی در روانشناسی، جامعه شناسی و... در مجموع آنچه از مفهوم سبک زندگی معمولاً در نوشتار، گفتار، رسانهها و به ویژه در فضای مجازی و اینترنت به تصویر کشیده میشود، بیشتر ناظر به همان جلوههای بیرونی و خارجی حیات و تمدن غربی از قبیل مد، دکوراسیون، الگوی مصرف و مفاهیمی از این قبیل میباشد.

مفهوم سبک زندگی (Life style) از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره ای از واقعیتهای فرهنگی جامعه آن را مطرح و به کار میبرند و دامنه به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است تا حدی که بعضی معتقدند که این مفهوم قابلیت جانمایی بسیار از واژگان موجود از جمله مفهوم طبقه را داراست و میتواند به نحو دقیقتری، گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرشهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز ما باشد و حتی برخی اندیشمندان به کارگیری آن به جای مفاهیم فراگیری چون قومیت و ملیت را مطرح کردهاند. سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدلها و الگوهای کنشهای هر فرد اطلاق میشود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنشها و واکنشهای فرد و جامعه میباشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنشهای اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد.

گفتار دوم: مفهوم شناسی سبک زندگی

از دیدگاه سبک زندگی عبارت است از «هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن» (چاووشیان و اباذری، ۱۳۸۱: ۲۴). «سولومون» اعتقاد دارد که هر جامعه ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان میدهد. در جوامع سنتی انتخابهای مبتنی بر مصرف به شکل گسترده ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته میشود؛ در حالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیتهایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق میکنند (رسولی، ۱۳۸۲: ۵۴).

به نظر «آرتور آسابرگر» برای تعریف اصطلاح «life style» با واژه فراگیری روبرو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل میشود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است (همان).

برداشت «گیدنز» از مقوله سبک زندگی عبارت است از: تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنشها که افراد آنها را انتخاب کرده و کنشهای آنها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت میشود (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۱).

«سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را این گونه تعریف میکند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزشهای اجتماعی، طرز برخورد و فعالیتهای اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه پذیری به وجود آمده است» (پاکرو، ۱۳۹۰)

گفتار سوم: مهارت‌های زندگی

تعاریف متعددی از مفهوم مهارت‌های زندگی موجود است اما هیچ یک به لحاظ دانشگاهی مورد قبول نیست. سازمان‌های مختلف معانی فراوانی را به این عبارت نسبت داده‌اند. اداره بین‌المللی آموزش (IBE) مفهوم آن را برگرفته از چهار قطب یادگیری دِلور-یادگیری دانستن، یادگیری انجام، یادگیری چگونگی با هم بودن و زندگی با دیگران-دانسته و مهارت‌های زندگی را مدیریت خود و مهارت‌های اجتماعی که برای عملکردی مستقل و رضایت بخش لازم است تعریف میکند (یونسکو، ۲۰۱۲).

تعریف دوم (سازمان یونیسف): مهارت‌های زندگی در قالب توانایی‌های روان‌شناختی برای رفتارهای مثبت و سازگار تلقی میشوند که فرد را قادر به رویارویی مؤثر با مقتضیات و تغییرات زندگی روزمره میسازد. این مهارت‌ها تقریباً در سه دسته وسیع جای میگیرند: مهارت‌های شناختی برای تحلیل و کاربرد اطلاعات، مهارت‌های فردی برای رشد عمل فرد و مدیریت خود و سپس مهارت‌های میان‌افراد برای برقراری مؤثر ارتباط و تعامل با دیگران (یونیسف، ۲۰۰۳).

قسمت اول: قلمروهای متنوع مهارت‌های زندگی

با وجود تعدد، تنوع و پراکندگی نسبی مهارت‌های زندگی، دستیابی به چهارچوب منسجمی از آن دشوار نیست؛ زیرا از حیث موضوع، ماهیت و محتوا میتوان آن را به چند حیطه تقسیم کرد:

- مهارت‌های فکری-ذهنی: شامل مهارت تصمیم‌گیری، مهارت حل مسأله، مهارت تفکر خلاق، مهارت تفکر انتقادی، انتخاب هدف و نظایر آن.
- مهارت‌های ارتباطی-اجتماعی: شامل مهارت دوست‌یابی، مهارت ارتباط مطلوب با دیگران، مهارت جرات‌ورزی (ابراز وجود)، مهارت "نه" گفتن، مهارت ارتباط مطلوب با خانواده و نظایر آن.
- مهارت‌های شناختی (معرفتی): شامل خود، خدا، خلق (خانواده و دیگران) و خلقت (جهان هستی).
- مهارت‌های عاطفی (احساسی): شامل همدلی، همدردی، هنر خوب شنیدن، مدیریت استرس و نظایر آن.
- مهارت‌های نگرشی: شامل نگرش به دنیا، ماهیت انسان، جایگاه ارزشها، معنا و مفهوم زندگی و نظایر آن.

قسمت دوم: جایگاه سبک و مهارت‌های زندگی در اسلام:

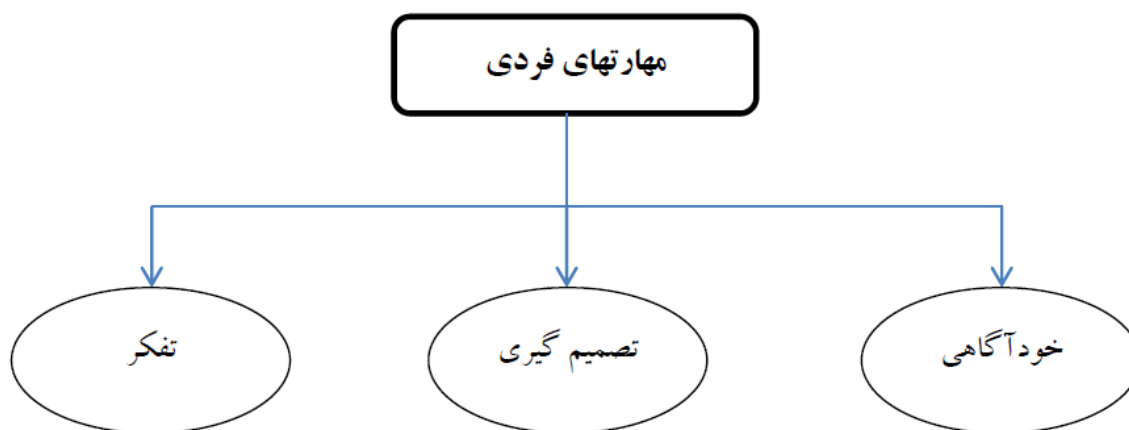
توجه به سبک زندگی، اولین بار در منابع مکتوب مسلمین، بخصوص کتاب آسمانی قرآن پیدا شده است و آن بحث هم در خصوص سبک زندگی مسلمان‌ها نبوده؛ بلکه سبک زندگی معصومین، مد نظر بوده است. کتابهایی که تحت داریم، دو دسته‌اند؛ بعضی صرفاً از تاریخ زندگی پیامبر گفتگو میکنند، و برخی دیگر بیشتر از «سیره النبی» عنوان شیوه زندگی رسول الله صحبت میکنند. لذا نمیشود گفت اصل این نوع مباحث، ریشه در تمدن اسلامی ندارد. حتی در نوشته‌های کسانی که نگاه جامعه‌شناسانه داشته‌اند، مثل ابن خلدون هم ریشه‌هایی از این موضوع را میشود پیدا کرد.

دین به مثابه نوعی هدایت الهی که عهده دار راهبری بشر برای رسیدن به سعادت در تمام شئون فردی، اجتماعی و تاریخی به شمار می‌آید، دگرگونی‌های ژرف و گسترده‌ای در اندیشه و روح انسانها پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی، که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزشها و گرایشها، رفتارها و کنشهای انسان را دربر می‌گیرد، استعدادهای فطری بشر شکوفا میشود و به تکامل میرسد. در واقع، عواملی از قبیل محدود نکردن فهم دین به زمانی خاص، باور به تکامل فرهنگ بشری و سهم بودن اراده انسانها در آن، و تبیین درست ارتباط میان فرهنگی متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون میشود که دین و آموزه‌های آن، میتواند منشأ شکل‌گیری فرهنگ باشد. پس میتوان گفت در رابطه‌ای طولی دین، فرهنگ جامعه

را شکل می‌دهد و فرهنگ نیز، نظام معنایی خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی به دست می‌دهد که سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده ای از الگوهای ویژه برای زندگی است و واحدی منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد.

بخش دوم: مهارت های زندگی فردی از دیدگاه قرآن

در آیات قرآن به مواردی بر می‌خوریم که می‌توان در حوزه مهارت‌های زندگی فردی دسته بندی کرد در زیر به این موارد اشاره می‌کنیم.



شکل شماره ۲، مهارت‌های فردی از منظر قرآن

گفتار اول: مهارت خود آگاهی

نخستین و زیر بنایی ترین مهارت از مهارت‌های ده گانه زندگی، مهارت خود آگاهی است. خود آگاهی توانایی شناخت خود و آگاهی از ویژگیها، نقاط ضعف و قوت، خواستهها، ترسها و انزجارهاست (فهیمی، ۱۳۹۰).

خود آگاهی این است که خود را چنان که هستیم و بدان گونه که میتوانیم باشیم، به درستی بشناسیم و شیوه زندگی خود را براساس تواناییها، استعدادها، خواستهها، نیازها و هدفهای کوتاه مدت، میان مدت و در راستای باورها و آرزوهایی که داریم سازماندهی کنیم. این نوع خود شناسی و خود آگاهی و معرفت به موهبت‌هایی که خداوند به هر یک از ما ارزانی داشته است، باعث استفاده بهینه از تمامیت وجود ما، زندگی معنی دار و شکرگزاری نعمتهای الهی است و هرچه در زندگی خود پیش برویم چشمه‌های جوشان تازه ای از استعدادها و موهبت‌هایی درونی ما آشکار خواهد شد و مزید نعمتهای درونی و بیرونی را در پی خواهد داشت (کرد نوقایی و پاشاشریفی، ۱۳۸۴)

قرآن مجید فراموش کردن نفس را لازمه فراموش کردن خدا و به منزله عقوبت این گناه معرفی می‌فرماید: «مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند خدا هم خودشان را از یادشان برد» (سوره حشر، آیه ۱۹)

و در جای دیگر می‌فرماید: «به خویشتن بپردازید، کسی که گمراه شد، به شما زیان نزند اگر هدایت یافتید» (مائده ۱۰۵) گرایشها، ارزشها و روشهای تربیتی همه بر مبنای نوع نگرش به انسان و چگونگی دریافت او سامان مییابد. در منظر امیر مؤمنان علی علیه السلام، شناخت انسان و استعدادها و چنان مهم تلقی شده است که آن حضرت فرموده است: «دانا

کسی است که قدر خود را بشناسد» (خطبه ۱۰۳)، و در نادانی انسان همین بس که شناخت خود و ارزشها و استعدادهای خود برترین شناخت‌هاست و هیچ چیز مانند آن کفایت‌کننده آدمی نیست.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصیت نامه تربیتی خود به امام مجتبی علیه السلام چنین آورده است: «هر که قدر خود را بداند حرمتش باقی ماند» (نامه ۳۱) در حدیث دیگری آن حضرت میفرماید: «نابود شد هر که ارزش خود را ندانست...» تا انسان به خود نیاید و قدر خود را نیابد و از بیگانگی با خود دست بردارد، نمیتواند وجود خود را به کار اندازد و استعدادهای شگفت خود را شکوفا نماید. خداوند متعال برای خود شناسی اهمیت فوق العاده ای قائل شده‌اند و آن را راه خداشناسی معرفی مینمایند و میفرمایند: «کسی که خود را شناخت پروردگارش را شناخت».

پس مشخص است که خداوند انسان‌ها را به خود شناسی دعوت فرموده و نداشتن این مهارت را نشانه گمراه شدن انسان بیان فرموده است. لازمه خداشناسی داشتن مهارت خود آگاهی است. ائمه معصومین و مخصوصاً حضرت علی علیه السلام بر اهمیت مهارت خود آگاهی تاکید بسیار فرموده‌اند. لذا آراسته شدن انسان‌ها به مهارت خود آگاهی باعث می‌شود که به ارزش خویش پی برده و راه در بیراهه‌ها نگذارد.

گفتار دوم: مهارت تصمیم‌گیری

قسمت اول: تعریف تصمیم‌گیری

هر یک از صاحب نظران و اندیشمندان مدیریت برای شناساندن تصمیم‌گیری، تعریفی ارائه کرده‌اند که اگر چه در ظاهر با هم متفاوت است، ولی با دقت در هر یک از این تعریف‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر، این نتیجه به دست می‌آید که تصمیم‌گیری فرایندی است که طی آن، راه حلی مناسب و معقول از میان راه حل‌ها و بدیل‌های متفاوت، انتخاب و گزینش می‌شود. به منظور آشنایی با تعریف‌های صاحب نظران و نویسندگان از تصمیم‌گیری برخی از این تعریفها را بیان میکنیم:

۱. برخی از صاحب نظران مدیریت، تصمیم‌گیری را از این گونه تعریف میکنند: تصمیم‌گیری به معنای برگزیدن یک راه از میان راه‌های مختلف است (کوئنتز^۱، ۲۰۰۷).

۲. عده ای چنین اعتقاد دارند که: تصمیم‌گیری فرایند شناسایی و گزینش یک روند کار برای حل یک مسأله مشخص است (فریمن و استونر^۲، ۱۹۹۵)

۳. برخی نیز در تعریف تصمیم‌گیری می‌گویند: تصمیم‌گیری فرایندی را تشریح میکند که از طریق آن، راه حل مسأله معینی انتخاب میگردد (رضائیان، ۱۳۹۲: ۵۷).

بنابراین میتوان گفت که تصمیم‌گیری، انتخاب گزینه مناسب از میان گزینه‌های مختلف است.

بر یک امر جدی و ضروری اطلاق، «عزم» بکار رفته است. در قرآن کریم «تصمیم» مترادف واژه «عزم» در لسان دین نامیده شده‌اند (و لمن صبر و غفران «عزایم» ، شده، همچنین مقام عزم بسیار متعالی دانسته شده و امور مهم و فریضه‌ها به فرستادگان و ویژه الهی و پیامبران عظیم الشأن دلیل دیگری بر اهمیت «اولوالعزم» ذلک لمن عزم الامور (اطلاق صفت مقام تصمیم‌گیری است) جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۱

علی (ع) نیز در نهج البلاغه پیامبران را به قوت و تصمیم‌گیری آنها توصیف میکند:
و لکن الله سبحانه جعل رسله اولی قوه فی عزائمهم... (خطبه ۱۹۲ - خطبه قاصعه).

در صورتی که خداوند پیامبران را با عزم و اراده قوی مبعوث کرد.

جدال و ستیز، تدبیر و «: امام ع) در یکی دیگر از سخنان حکمت آمیزش، جدال و ستیز را مانع تصمیم گیری میداند حکمت / « اندیشه را ویران میکند ۲۱۵).

کتاب نهج البلاغه، نه تنها حاوی مهارتهای اساسی مورد نیاز زندگی است بلکه با تأمل و تدبر در آن میتوان به هزاران هزار مهارت ارزشمند دیگر در زندگی دست یافت که انسان را به کمال مطلوب خویش در زندگی میرساند و او را در مقابل هر مشکل و تنش و ناملايمات زندگی مقاوم میسازد.

قسمت دوم: اصول تصمیم گیری

الف) مشورت

بدیهی است که یکی از مهمترین عوامل اساسی گرفتن تصمیم درست، مشورت کردن و سهیم کردن عقول آنها در گرفتن تصمیمی نهایی است.

خداوند در قرآن کریم میفرماید: وَ شاورِهِمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ آل-عمران ۱۵۹ (یعنی ای پیامبر حالا که نسبت به آنان مهربان هستی، پس از بدیها و اعمال ناشایست و گناهان آنان در گذر و به دیده اغماض با آنها مواجه شو و برای دلجویی آنها، با آنان در باره امور جنگ و غیره مشورت نما تا این روش و سیره از تو باقی بماند)، فاذا عزم فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين (العمران، ۱۵۹) (لذا زمانی که تصمیم راسخ گرفتی، بر خدا توکل نما و آن امر را انجام بده، همانا خداوند کسانی را که به او اعتماد کنند دوست می دارد)، چون خدای تعالی تو را به خاطر اینکه به او توکل کرده ای دوست می دارد، در نتیجه ولی و یاور تو خواهد بود، پس اثر مشورت و توکل و اعتماد به خدا یاری و عدم خذلان است).

کسی که از افکار و آرای گوناگون استقبال «: این مهارت همچنین از چشمان امامان معصوم ع) پنهان نمانده است حکمت / « کند، صحیح را از خطا خوب شناسد ۱۷۳).

از مسایلی که بسیار شایان ذکر و اهمیت است مساله تبادل نظر و مشورت در اتخاذ تصمیم و انتخاب راههای معقول و صحیح است که علم روز نیز به این نکته اهمیت زیادی میدهد و امام علی ع) جناب مالک را در آنچه که مؤثر در اصلاح امر مملکت و کشور داری است موظف میفرماید که با علما و دانشمندان و حکما به تبادل نظر و گفتگو بنشیند و جهت تصمیم گیری در انتخاب روشهای مخصوص برای اداره کشور و اصلاح امور مردم و جامعه به عقل و فکر و تجربیات خود اکتفا نکند. زیرا در گفتههای آنان نیز هدایت و راهنمایی خواهد بود که با اتکا به آنها در مجموع میتوان به یک نظریه قوی تر و صحیح تر رسید.

نهج البلاغه: نامه « هیچ پشتیبانی استوارتر از مشورت کردن نیست « ۵۳)

نهج البلاغه: نامه « هیچ خردمندی از مشورت بی نیاز نمیشود « ۵۳)

نهج « سزاوار است که خردمند رأی خردمندان را به رأی خود و دانش و آگاهی دانشمندان را به دانش خویش بیفزاید « البلاغه: حکمت ۳۴۷)

پذیرفتن آرای دیگران و مشاوره با آنها باعث شناختن صحیح از اشتباه خواهد بود و قاعدتاً چنین چیزی کمک شایانی به اتخاذ تصمیم درست و تصمیم گیری صحیح خواهد کرد.

ناگفته نماند که امام علی ع) سالها پیش از روان شناسان امروزی که پس از تحقیقات و پژوهشهای زیاد به چنین

دستاوردیابی دست یافتند، زندگی میگردانند. زمانی که چه بسا درک چنین مفاهیمی از سوی مردم عادی بسیار سخت بود اما ایشان با لحنی زیبا و باوقار به نقل این مفاهیم به مردم پرداختند که سختترین و پیچیدهترین قلوب را نیز به تسخیر خود درآورد.

آن حضرت مشاوره و مشورت را از آن جهت لازم و مفید میدانند که مشورت میتواند افراد، مخصوصاً مدیران جامعه را از استبداد و خودرایی برهاند و در اداره بهتر امور از عقول و تجربه دیگر افراد استفاده نماید.

ب) شجاعت

شجاعت فضیلتی مهم است، به گونهای که قرآن شریف آن را اساس حکومت الهی دانسته و آن را مورد محبت و عنایت خاص قرار داده است:

...ان الله اصطفاه عليكم وزاده بسطة في العلم و الجسم) بقره، ۲۴۷)

....به درستی که خدا او را بر شما برگزید و در دانش و توانایی او را فرونی بخشید....

يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم يحبهم و يحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على

الكافرين يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم) مائده، ۵۴)

ای گروهی که ایمان آوردهاید، هر که از شما از دین خود مرتد شود به زودی خدا قومی را که دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست میدارند و نسبت به مؤمنان سرافکننده و فروتن، و نسبت به کافران سرافراز و مقتدرند، به نصرت اسلام برمی انگیزد که در راه خدا جهاد کنند و در راه دین از نکوهش و ملامت احدی باک ندارند....

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنیان مرصوص) صف، ۴)

البته خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد مانند سد آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست میدارد.

این ویژگی در آیات دیگری هم ذکر شده و از ضروریات تصمیم گیری نداشتن ترس و هراس در تصمیم گیری بیان شده است. چون انسان ترسو از هر اقدامی که به ذهنش میرسد یا به او پیشنهاد میشود از ترس این که مبادا در آینده با یک بن بست روبه رو شود از هر اقدامی خودداری میکند و احتیاط در ترک اقدام را بر هر چیزی ترجیح میدهد. اگر تصمیم گیرنده با بینش و شناخت کافی عمل نماید و با افرادی که متخصص و اهل فن میباشند مشورت نمایند باید با جسارت و شجاعت تمام اقدامات لازم برای تصمیم گیری را انجام دهد.

امام علی(ع) میفرماید: ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست میکند. (نامه

۵۳)

ج) موقعیت شناسی

از عینترین مؤلفه‌های موقعیت‌شناسی از دیدگاه قرآن، اقدام بهموقع و بهنگام است. مشخصاً میتوان در این باره به دو موضوع مورد توجه در قرآن اشاره کرد. موضوع اول بحث جهاد و موضوع دوم بحث صلح است. درباره جهاد با دشمنان باید گفت که قرآن آن را به صورت تکلیف شرعی مطرح میسازد. آیات جهاد مؤید این نکته است. آیاتی توبه، « وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً » مانند ۳۶ انفال، « وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً »، ۳۹ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ «، توبه، « وَ جَدَّتْ مُؤْمٌ ۵ » (از جمله آیاتی هستند که بر جهاد با دشمنان تاکید دارند. در کنار اینها آیاتی نیز وجود دارند که مسلمانان را به صلح فرمان میدهند؛ برای نمونه میتوان به این آیات اشاره کرد:

۱ انفال، «... وَ إِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ » - ۶۱ (و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح

در آی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست.

۲ نساء، («... فَإِنْ اِعْتَرَلَوْكُمْ فَلَمْ يِقَاتِلُوكُمْ وَ اَلْقُوا اِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً» - ۹۰) چون از شما دست بردارند و با شما سر جنگ نداشته و از در آشتی در آیند، خداوند راهی برای شما علیه آنان قرار نداده است.

۳ «لَا يَنْهَاكُمُ اللّٰهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا اِلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ» ممتحنه، (« اَلْمُقْسِطِينَ ۸ » خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده و شما را از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمیدارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار میکنند دوست دارد.

آیات جنگ را اگر در کنار آیات صلح بگذاریم، معنایی مشخص از آن بیرون می‌آید؛ این معنا عبارت است از لزوم اقدام بهموقع و موقعیت‌شناسی! قرآن میفرماید در جایی که جهاد ضرورت دارد باید بجنگیم و در جاهایی که به صلح نیاز است باید صلح کنیم. این همان مفهوم موقعیت‌شناسی و مصلحت‌سنجی است.
در نهج البلاغه میخوانیم:

”پرهیز کن از شتاب زدگی در کارها پیش از فرا رسیدن وقتان یا غوطه ور شدن و سرگرم شدن هنگام دسترسی به آنها. یا اصرار و پیگیری شدید در کار، در صورتی که هموار و ردیف نباشد. و با مشکلات دست به گریبان باشد. یا سستی در کار و مسامحه در آن هنگامی که در دسترس قرار گیرد و روشن گردد. پس هر چیز را در جای خود قرارده و هر کاری را در وقت خود انجام و هر امری را در جایگاه مناسب خود مقرر بدار“

یکی از مطالب مهم که در امر تصمیم‌گیری از متن بالا استنباط میشود و در شرع مقدس اسلام و همچنین در علم مدیریت جهانی اهمیت دارد مضرات شتابزدگی زدگی در تصمیم‌گیری است. حضرت بر تأمل و تفکر و ترک شتاب و عجله هنگام اتخاذ تصمیم تاکید داشته و آنرا یکی از اصول و ارکان تصمیم‌گیری به حساب می‌آورد. (نامه ۵۳) امام ع(ع) جناب مالک را از اتخاذ تصمیم عجولانه و اقدام پیش از فرا رسیدن وقت مناسب بر حذر میدارد و همچنین وی را بر حذر میدارد از غوطه ور شدن در کاری که وسایل آن مهیا و آماده گردیده به تصور اینکه اگر به آن مشغول نگردد از دست میرود.

در واقع انسان قبل از اقدام نسبت به هر کاری لازم است کار را ارزیابی و عاقبت‌سنجی نماید و پس از شناخت و درک موفقیت خود در آن کار دست به اقدام و انجام آن زند.

از آن جایی که از وظایف و مسوولیت‌های مدیر تصمیم‌گیری صحیح در کارها و برنامه‌های اجرایی است و طبیعی است که مدیر زمانی میتواند اتخاذ تصمیم بنماید که در شک و تردید نباشد و با قاطعیت با مساله برخورد نماید و چنان چه دچار شک و تردید گردد خواه ناخواه از تصمیم‌گیری باز میماند و توان اعلام نظر قاطع نخواهد داشت.

د) صداقت در تصمیم‌گیری

عدم غرض‌ورزی در تصمیمات و بیان تاثیراتی که یک تصمیم ممکن است ایجاد کند باعث اعتماد بیشتر و حمایت اطرافیان می‌باشد. لذا در تصمیمات اتخاذ شده تصمیم‌گیرنده وظیفه دارد با صداقت عمل کند. به این مفهوم که قرآن کریم، پس از توحید، معاد را به عنوان چشمانداز و هدف غایی بیان میکند و همه انسانها را به توحید فرا میخواند و به معاد و جزای خیر و شر بشارت و بیم میدهد و آنها را از غرض‌ورزی در تصمیمات بر حذر میدارد. بشارت به آنانی که در زندگی دنیا دستورات الهی را رعایت کرده و با صداقت، سلامت و مهربانی تصمیمات خود را اتخاذ میکنند. به واجبات عمل میکنند و از محرّمات دوری میجویند؛ تقوای الهی پیش میگیرند و راه راست میپیمایند.

(سوره طه، آیات ۱۶ - ۹)

و) آینده نگری در تصمیم گیری

تصمیم گیرنده وظیفه دارد نسبت به عواقب احتمالی تصمیمات دور اندیشی داشته باشد تا مبادا فرآیند تصمیم گیری در میانه راه و احتمالاً زمانی که همه چیز برای اجرای تصمیم آماده است متوقف شود. امام علی علیه السلام می - فرمایند: (مِنَ الْحَزْمِ صِحَّةُ الْعَزْمِ، مِنَ الْحَزْمِ قُوَّةُ الْعَزْمِ).
«عزم درست از دوراندیشی است، و عزم استوار نیز از دوراندیشی است»

ه) صبر و حوصله

صبر و بردباری در تصمیم گیری باعث میشود که تصمیماتی معقول و صحیح اتخاذ شود. با توجه به اینکه انسانها در موقعیتهای مختلف از نظر روحیات و آمادگی ذهنی ممکن است وضعیتهای متفاوتی داشته باشند لذا صبر و حوصله باعث میشود که تأمل بیشتری در کم و کیف تصمیمات اتخاذ شود.

گفتار سوم: مهارت تفکر

قسمت اول: تعریف تفکر

کوشش و جولان نیروی « تفکر » می - برد. و « معلوم » را به سوی « علم » نیرویی است که « فکر »؛ به گفته راغب اصفهانی فکر به اقتضای عقل و خرد است. این نیرو ویژه انسان است و در حیوان نیست. تفکر یا اندیشه تنها در چیزی است که ممکن باشد صورتی از آن در خاطر و قلب انسان حاصل شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۳).
به دیگر سخن؛ حقیقت تفکر و اندیشیدن مرکب از دو حرکت است: حرکتی به سوی مقدمات هر مطلب، سپس نام دارد « فکر » حرکتی از آن مقدمات به سوی نتیجه، مجموعه این دو حرکت که سبب شناخت و معرفت اشیا است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۴۴).

تفکر، عبارت از فعالیت عقلانی است که با ابزارها و سمبلها، مدلولهای خود را ایفامیکند؛ مثلاً الفاظ، سمبلهایی هستند که در عمل اندیشیدن بر واقعیتها دلالت دارند.

از آنچه بیان شد دانسته میشود که مراد از اندیشه یا فکر "اجرای عملیات عقلی در معلومات موجود برای دستیابی به مطلوب" است. و مطلوب همان علم به مجهول غایب و پنهان از ذهن است. به بیان دقیق تر فکر عبارت است از: حرکت عقل میان معلوم و مجهول (مظفر، ۱۳۸۷: ۳۳).

ممکن است تفکر و اندیشیدن در زندگی آدمی به چند صورت تحقق پذیرد:

۱. ایک نوع تفکر ساده و ساده‌انگارانه که صاحب اندیشه، خود را با افکار مالخولیائی، دور از واقع انگارد و از گاهی، کوهی سازد که مثلاً فردی عادی، خود را دانشمندی بزرگ تصور نماید که خیالی بیش نیست.
۲. نوع دیگر، تفکر و اندیشیدن، تفکر کاربردی است که صاحب اندیشه را تنها در حل مسائل و مشکلات روزمره کمک نماید.

۳. نوع سوم تفکری است توجیهگرانه که آدمی خود را در برابر کارهای انفعالی و احياناً تجاوزکارانه خود، توجیه نماید و به تعبیر قرآن کریم، با عذر تراشی وجدان خود را کلاه گذاشته و قانع سازد.

قیامت / آیه (« إِنَّ الْإِنْسَانَ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ » ۱۴).

۴. نوع چهارم، تفکر خلاق و تولید کننده‌ای است که هدفش حل مشکلات بزرگ و پیچیده میباشد و چنین

اندیشه‌هایی است که به ابتکار و تحول میانجامد!

البته طبیعی است که تحول ملتها و تحول جامعهها، تنها در پرتو چنین اندیشه‌های خلاق و آفریننده، تضمین شده است و رمز تکامل بشری و تحول اجتماعی همین بوده است و بس. طبیعی است، آن تفکری می‌تواند خلاق و سازنده باشد که مشکلترین مسأله انسان را که برای او عارض میشود، حل کند و راه حل نشان دهد.

و دقیقاً این نوع تفکر است که مورد عنایت مریبان و روانشناسان قرار گرفته است و از این نظر مورد توجه و عنایت قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام هم می‌باشد.

خداوند در قرآن کریم میفرماید: **الَّذِينَ يَدْعُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ** (ال-عمران، ۱۹۱)

(همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند. در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند) و می‌گویند: (بار الها! این‌ها را بی‌هوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار).

روش‌هایی که از طرف دانشمندان علوم تربیتی در این زمینه ارائه شده است، حائز اهمیت است. معروفترین شخصیت علمی و تربیتی، جان دیوئی dewey والیس Wallas به «منطق صوری» و همچنین علامه شیخ محمد رضا مظفر در این روش اشاره کرده‌اند.

قسمت دوم: نظریه جان دیوئی

جان دیوئی، تفکر خلاق را در عملکرد تحلیلی آن به پنج مرحله تقسیم کرده است:

۱. احساس به وجود مشکل.
۲. مشخص کردن مشکل و تعیین حدود و تحلیل اجزای آن.
۳. گردآوری معلومات از ابعاد مختلف که مربوط به مشکل است.
۴. طرح چند فرضیه و از مجموع معلومات گردآوری شده که در حل مشکل دخالت دارند.
۵. آزمایش فرضیات، یکی بعد از دیگری و اثبات یکی از آنها که بتواند پاسخگوی حل کامل مسأله و مشکل باشد.
۶. تکرار تجربه موفق به تعداد زیاد و در نتیجه استنتاج قاعده عمومی از تجربها (دیویی، ۱۳۲۹: ۱۸۰).

قسمت سوم: دیدگاه علامه مظفر

خود، این روش را طرح کرده و آن را بمانند جان دیوئی در پنج «منطق صوری» استاد علامه شیخ محمد رضا مظفر در مرحله خلاصه میکند:

۱. مواجهه و رو در روئی با مجهول و مشکل.
۲. شناخت نوع مجهول.
۳. حرکت ذهن از مجهول به طرف معلومات موجود پیش ذهن (حرکت رونده).
۴. گردش ذهن در میان معلومات موجود و پیدا کردن معلومات مناسب با حل مجهول (حرکت دایره‌ای).
۵. گردش ذهن در مرحله سوم از معلومات مناسب که بتواند مجهول را حل نماید (حرکت بازگردی) (مظفر، ۱۳۸۸:

اما والیس Wallas در تحلیل اندیشه خلاق، چهار مرحله بیشتر پیشنهاد نمی‌کند:

۱. زمینه سازی؛ ۲. پرورش دادن؛ ۳. جوشش و انفجار؛ ۴. آزمایش و نقد.
۱. در مرحله اول، متفکر، مجهول و مشکل را تعیین و تبیین میکند و آن را به عناصر تشکیل دهنده‌اش تجزیه مینماید.
۲. توجه به موضوع، توجهی عمیق، و با جمع‌آوری اطلاعاتی که دیگران در این زمینه، انجام داده‌اند [بررسی بحثهای مربوطه].

برخی بر آناند که متفکران در این مرحله، به اندیشه خلاق و اجتهادی خود ضرر میرسانند و مجبور میشوند که به تقلید و اقتباس، روی آورند.

در حالی که حقیقت آن است که اندیشه خلاق، اجتهاد از ذخائر و اندوخته‌های دیگران استفاده میکند و خود را تقویت مینماید (ادیب، ۱۳۷۹: ص ۹۳).

امام علیعلیه السلام در بیان خود، به این نکته اشاره میکند:

خُذْ بِمَا مَضَىٰ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَالصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ فَإِنَّهُمْ لَمْ يَدْعُوا أَنْ نَنْظُرُوا إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ كَمَا أَنْتَ نَاطِرٌ»
نامه / (« و فکروا کما أنت مُفکر ۳۱ »).

بر آنچه بر تو واجب داشته، بسنده کردن و رفتن به راهی که پدرانت پیمودند و پارسایان خاندانت بر آن راه بودند.»

«چه آنان از نگرستن در کار خویشان باز نایستادند چنانکه تو مینگری و نه از اندیشیدن چنانکه تو میاندیشی

در مرحله پرورش، تحلیل و تجزیه به عناصر تشکیل دهنده، پایان میابد و هر چقدر مشکلات و مجهولات، دشوار باشد، نیاز به وقت بیشتر و تأمل بیشتر و زیادتر است.

لذا بهتر است متفکر در حل مشکلات و مجهولات تأنی و درنگ و تأمل نماید و با آگاهی کامل و ادراک تمام، مورد و موضوع را بررسی کند تا به حل تفصیلی و نتیجه مطلوب برسد.

۳. در مرحله جوشش، و حل مشکل و نتیجه مطلوب از مقدمات موجود، سر میزند و میجوشد و گاهی این جوشش

و بیمقدمه، ممکن میشود. و به او الهام میگردد. « انفاقی »

۴. اسرآنجام متفکر به نتیجه میرسد و آزمایشش را شروع میکند. حالا آزمایش، چه اثبات نماید یا نتیجه منفی دهد.

امام علیعلیه السلام این چهار مرحله و نکات حساس این روشها را در بیان خود جمع کرده و میفرماید:

فَإِنْ أَبَتْ نَفْسُكَ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ دُونَ أَنْ تَعْلَمَ كَمَا عُلِّمُوا فَلْيَكُنْ طَلْبُكَ بِتَفْهَمٍ وَ تَعْلَمُ لَا بِتَوَرُّطِ الشَّبَهَاتِ وَ تَرَكَ كَ لَ شَائِبَةً أَوْ لَجْتِكَ فِي شِبْهَةٍ أَوْ اسْلَمْتِكَ إِلَىٰ ضَلَالٍ هَ أَيَقْنَتَ أَنْ قَدْ صَقَا قَلْبُكَ فَخْشَعَ وَ تَمَّ رَأْيُكَ فَاجْتَمَعَ وَ كَانِ هَمَّتِكَ فِي هِمَانٍ. (« ذَلِكَ هَمًّا وَاحِدًا فَانظُرْ فَمَا فَسَّرْتُ لَكَ

اگر نفس تو پذیرفتن چنین نتواند و خواهد چنانکه آنان دانستند، بداند پس بکوش تا جستجوی تو از روی دریافتن، «

دانستن باشد نه به شبههها در افتادن و جدال را بالا بردن و آنچه تو را به شبهه‌های دچار سازد یا به گمراهیات در اندازد،

واگذاری و چون یقین کردی، دلت روشن شد و ترسید و اندیشهات فراهم شد و به کمال رسید و هم تو بر یک چیز

«مقصود گردید، در آنچه برایت روشن ساختم بنگر

قسمت چهارم: استفاده از تجربه دیگران

استفاده از تجربه دیگران و بهره‌گیری از اندوخته و تجارب ملل دیگر، راه دیگری است که در پرورش اندیشه خلاق

مؤثر است. چنانچه در پیشرفت تمدنها و ایجاد تحولات اجتماعی چنین عاملی بهوضوح مشهود میباشد.

حیات « آیات قرآن مجید درباره سیر و تحقیق در آثار گذشتگان، برای اندوختن تجربه و آموزش درس برای ساختن فراوان است، » معقول . آیات ذیل نمونه‌های از این موارد است:

آیه ۱۳۷ از سوره آل عمران- آیه ۲۶ از سوره نساء- آیه ۱۱ از سوره انعام- آیه ۷۴ از سوره اعراف- آیه ۱۰۹ از سوره یوسف- آیه ۳۶ از سوره نحل- آیه ۴۶ از سوره حج- آیه ۶۹ از سوره نمل- آیات ۹ و ۴۲ از سوره روم- آیه ۴۴ از سوره فاطر- آیات ۲۱ و ۸۲ از سوره غافر- آیه ۱۰ از سوره محمد صلی الله علیه و آله.

البته آیات متعدد دیگری وجود دارد که حالات و جریان زندگی گذشتگان را با اشکال گوناگون مطرح فرموده و ضمناً دستور کلی برای تجربه اندوزی از آن‌ها را بیان کرده است، مانند: ۱- فَأَقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (سوره اعراف، آیه ۱۷۶)

«به آنان داستان بگو، باشد که بیاندیشند»

۲- لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (سوره یوسف، آیه ۱۱۱)

«در داستان آن گذشتگان، عبرت (تجربه برای پندگیری) برای صاحبان عقول است»

۳- إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى (سوره نازعات، آیه ۲۶)

البته در آن (داستان استکبار و نابودی فرعون)، عبرتی است برای کسی که خشیت (خوف یا خوف آمیخته با رجاء) داشته باشد.»

برای کسی که در این دنیا اطلاعی از ارزش حیات خود دارد، بدون تردید، آن چه که در صفحه هستی به وقوع می پیوندد، می تواند سطری از کتاب آموزنده حیات باشد. لذا، هر حادثه ای- چه در گذشته ترین دوران تاریخ باشد و چه در حال حاضر در برابر چشمانش به وقوع بپیوندد، و خواه آن حادثه کوچک باشد و خواه بزرگ، تلخ باشد یا شیرین، از دوست باشد یا دشمن- می تواند وسیله آموزش واقعیاتی برای تجربه و عبرت باشد.

امام علیعلیه السلام باز به مالک میگوید:

و الواجبُ عليك أن تتذكر ما مضى لمن تقدمك من حكومه عادله أو سنة فاضله أو أثر عن نبينا أو فريضه في كتابِ همان. (« الله فتقتدى بما شاهدت مما علمنا به فيها و تجتهد لنفسك في اتباع ما عهدت إليك

و بر تو واجب است به خاطر داشتن آنچه بر والیان، پیش از تو رفته است از حکومت عدلی که کرده‌اند و سنت»

نیکوئی که نهاده‌اند، یا اثری که از پیامبر ما بجاست، و یا واجبی که در کتاب خدا است، پس اقتداء کنی بدانچه دیدی «. ما بدان رفتار کردیم و بکوشی در پیروی آنچه در این عهدنامه بر عهده تو نهادم

تأنی و درنگ در اصدار حکم:

تأنی و درنگ و عجله نکردن در صدور حکم یک اثر تربیتی دیگری دارد که از آیات قرآن و کلمات معصومین(ع) به دست می‌آید. انسان متفکر، لازم است که همواره با تأمل و درنگ، مسائل را دنبال کند و از داوری عجولانه بپرهیزد و از هرگونه عجله و تسریع بيمورد، اجتناب ورزد.

پرهیز از قضاوت عجولانه قبل از شنیدن سخنان طرفین دعوا نکته‌ایست که از آیات قرآن قابل برداشت است:

وهلاکک نبؤا الخصم اذ تسوروا المحراب • اذ دخلوا علی داوود ففرغ من هم قالوا لا تخف خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بیننا بالحق ولا تشطط واهدنا الی سواء الصراط • ان هذا اخی له تسع وتسعون نعجه ولی نعجه وحده فقال اکفلنیها وعزنی فی الخطاب • قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک الی نعاجه وان کثیرا من الخلاء لیغی بعضهم علی بعض

الا الذين آمنوا وعملوا الصلح وقليل ما هم وظن داوود انما فتنه فاستغفر ربه وخر راكعاً واناب؛ (صاد، آیه ۲۱-

۲۴)

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! • در آن هنگام که (بیمقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن! • این برادر من است؛ و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم اما او اصرار میکند که: این یکی را هم به من واگذار؛ و در سخن بر من غلبه کرده است! • (داوود) گفت: مسلماً او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم میکنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند؛ اما عدّه آنان کم است! داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزمودهایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به «سجده افتاد و توبه کرد

همچنین در این زمینه امام علی (ع) میگوید:

ایاک بالعجله بالأمور قبل اوانها أو التسقط فیها عند امکائها أو اللجاجه فیها إذا تنکرت عنها إذا استوضحت فض ع»
نامه / « کل امر موضع ه و اوقع کل امر موقعه ۳۱ .»

پرهیز از شتاب در کارهایی که هنگام انجام آن نرسیده یا سستی در آن چون انجامش ممکن گردیده یا ستیزیدن در کارهایی که راه راست در آن ناپایدار است یا سستی ورزیدن آنگاه که آشکار است. پس هر چیز را جای آن بدار و «هر کاری را به هنگام آن بگذار

است آنجا که ترجمه و تقلید است و تفکر» توسعه « تربیت اندیشه خلاق و تولیدگر، رمز پیشرفت عقل و راه رسیدن به و اندیشیدن تنها تلاش در فهمیدن. محتوا و اندیشه دیگر خلاصه میشود، هرگز پیشرفتی حاصل نمیگردد.

جمع بندی

در این مقاله جهت استخراج مهارتهای زندگی فردی براساس قرآن و روایات به بررسی آیات قرآن و روایات اهل - بیت (ع) پرداخته شد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که در حوزه فردی مولفه هایی از آیات قرآن و روایات قابل استخراج است که مهارتهای زندگی در حوزه فردی را شکل می دهد و رعایت آنها منجر به ورود به حیات طیبه می شود.

جدول ۱، بعد فردی مهارتهای زندگی از دیدگاه قرآن

ردیف	مهارتهای زندگی	مولفه ها
۱	بعد فردی	خودآگاهی
		تصمیم گیری
		تفکر خلاق

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود یافته های تحقیق حاکی از آن است که از منظر قرآن مهارتهای زندگی در حوزه فردی شامل مولفه های فراوانی می باشد که رعایت آنها منجر به ورود به حیات طیبه می گردد. براساس دیدگاه قرآنی خودآگاهی، تصمیم گیری و تفکر از مولفه های بعد فردی مهارتهای زندگی میباشند.

فهرست منابع

منابع عربی و فارسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ادیب، علی محمدحسین (۱۳۷۹)، منهج التریبۃ عندالإمام علی علیه السلام، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۴- جوادی آملی، مرتضی (۱۳۷۲)، نحوه سیاستگذاری و تصمیم گیری در مدیریت اسلامی، نشریه مدیریت دولتی زمستان، شماره ۲۳، ۱۰ و ۱۱
- ۵- چاوشیان، ح و یوسف ابادری (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، مجله نامه علوم اجتماعی، ۲۰.
- ۶- خوشنویس، ناهید (۱۳۸۹)، رسانه و سبک زندگی، ماهنامه روابط عمومی ایران، ۷۳.
- ۷- دیوئی، ج (۱۳۲۹)، اخلاق و شخصیت، ترجمه مشفق همدانی، چ دوم، تهران: انتشارات فرانکلین، (انقلاب اسلامی امروز).
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، بیروت، چاپ اول.
- ۹- رسولی، م. (ر. ۱۳۸۲)، بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، مجله علوم اجتماعی، ۲۳.
- ۱۰- رضائیان، ع (۱۳۹۲)، اصول مدیریت، تهران: سمت، ویرایش اول، چاپ بیست و چهارم
- ۱۱- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ۱۲- فهیمی، رضا (۱۳۹۰)، کودک، نوجوان و رسانه، نشریه کودک و نوجوان، پاییز و زمستان، شماره ۱ و ۲
- ۱۳- کرد نوقایی، ر، پاشا شریفی، ح (۱۳۸۴)، تهیه و تدوین برنامه درسی مهارتهای زندگی برای دانش آموزان دوره تحصیلی متوسطه، تهران، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۲، تابستان ۸۴
- ۱۴- مظفر (۱۳۸۷)، المنطق، مترجم: علی شیروانی، قم: موسسه دارالعلم.
- ۱۵- مظفر، م. (ر. ۱۳۸۸)، المنطق، نجف: مطبعة النعمان.
- ۱۶- سایت همهمه، ۹۰ / ۵ / ۴ و pichak.net، مصطفی قاسمی پاکرو

منابع انگلیسی

- ۱۷- Freeman, E., & Stoner, J. (۱۹۹۵), management.
- ۱۸- Koontz, W. H. (۲۰۰۷), Management of Essentials:Heinz.
- ۱۹- Unesco (۲۰۱۴), Thesauru, From in:
- ۲۰- www.ibe.unesco.org/international/DocServices/Thesaurus/۰۰۰۰۳۷۳۹.htm
- ۲۱- unicef (۲۰۰۳), Definition of Terms, From in:
- ۲۲- www.unicef.org/lifeskills/index_۷۳۰۸.html